



Explaining the Territoriality of Fundamentalist Organizations in Fragile States (Case Study: ISIS in Tunisia)

ARTICLE INFO

Article Type

Descriptive Study

Authors

Rasouli M.^{*1} PhD,
Bakhshi A.² PhD

How to cite this article

Rasouli M, Bakhshi A. Explaining the Territoriality of Fundamentalist Organizations in Fragile States (Case Study: ISIS in Tunisia). Political Spatial Planning. 2020;2(1):41-52.

¹Department of Geopolitics, African Studies Center, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

²Department of Political Science, Literature and Humanities Faculty, University of Birjand, Birjand, Iran

*Correspondence

Address: Department of Geopolitics, African Studies Center, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Phone: -

Fax: -

m.rasouli@modares.ac.ir

Article History

Received: February 5, 2020

Accepted: May 14, 2020

ePublished: October 4, 2020

ABSTRACT

Fundamentalism is one of the most important security issues in today's world, in a way, territoriality has drawn a large part of the world's security literature. Over the past decade, the North African region became locality of internal crisis, regional ideological and rivalries, and intra-regional powers intervention and expansion of extremist ideas that has cost and effects on both internal, regional and international levels. In the meantime, the north of the African continent, and specially Tunisia country, has created opportunities for the growth and development of ISIL's fundamentalist organization. The present study is a descriptive-analytical research and its data and information gathering by the library method. Hypothesis of this study based on unified Field Theory of Stephen B. Jones and believe that Territoriality of Fundamentalist Organizations in Tunisia affected by internal factors (social crisis) and external factors (intervention powers). The result of the study showed that the fragility of the government, the geographical structure, and geopolitical integration in Tunisia, along with the political and international limitations caused territoriality of fundamentalist organization and acted as an obstacle for emerging and developing of a new political entity in this country.

Keywords Territory; Fundamentalism; Unified Field Theory; Fragile State; Tunisia

CITATION LINKS

[1] Recent changes in the Middle East and North Africa: Different origins and ... [2] The reasons of Terrorism presence in North ... [3] McDonald's terrorism; Overview of ISIL presence in ... [4] A new introduction to political ... [5] Political geography ... [6] Concepts and theories of political ... [7] Geography: A new ... [8] Annals of the association of American ... [9] A unified field theory of political ... [10] Political ... [11] Political ... [12] International terrorism and the world ... [13] Theoretical approach to the concept of ... [14] Defining terrorism: Philosophy of the bomb, propaganda by deed and change through fear and ... [15] "Holy terror": The implications of terrorism motivated by a religious ... [16] Terrorism in the name of ... [17] State responsibility, sovereignty, and and failed ... [18] The new words ordoernabty and ... [19] The political economy of fragile states and implications for European development ... [20] databank ... [21] nationalgeographic ... [22] Tunis: ins ... [23] cia ... [24] nationsencyclopedia ... [25] Osama: The making of a ... [26] Isis autopsy (nature, organizational structure, strategies and ... [27] The top 5 countries where ISIS gets its foreign... [28] tunisiageopolitics ... [29] heritage ... [30] tradingeconomics ... [31] Introduction to politics and government in ... [32] Explaining the territoriality of fundamentalist organizations in fragile states (case study: ISIS in ... [33] Investigating the factors of the fall of Hosni Mubarak's regime and the perspective of developments in ... [34] Space-geopolitical impunity and protest movements in the Middle East and North ... [35] The process of government-nation-building in Egypt, Tunisia and Libya after the ... [36] fundforpeace ... [37] alwaght ... [38] Why did ISIS ... [39] US strategic goals and interests from long-term presence in ... [40] Unrelenting global economic crisis: A doomsday view of ... [41] The view of Israel and International actors on ...

تبیین قلمروگستری سازمان‌های بنیادگرا در دولت‌های شکننده (مطالعه موردی: داعش در تونس)

مجید رسولی* PhD

گروه ژئوپلیتیک، مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

احمد بخشی PhD

گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

بنیادگرایی در قالب منش و کنش یکی از مسایل امنیتی جهان امروز است. به گونه‌ای که قلمروییابی و قلمروگستری گروه‌های بنیادگرای تروریستی بخش کلانی از ادبیات امنیتی جهان را به خود معطوف داشته است. طی یک دهه گذشته منطقه شمال آفریقا برخاسته از بحران‌های داخلی، رقابت‌های سیاسی و ایدئولوژیکی منطقه‌ای و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای کانون پیدایش و گسترش اندیشه‌های افراطی‌گرایانه شده، به گونه‌ای که هزینه‌ها و آثار فراوانی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در پی داشته است. در این میان، شمال قاره آفریقا و به‌طور مشخص کشور تونس فرصت‌های مناسبی برای رشد و گسترش سازمان بنیادگرای داعش فراهم ساخته است. پژوهش حاضر که ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است در قالب نظریه میدان واحد جوئر بر این فرضیه استوار است که عوامل داخلی (بحران‌های اجتماعی) و خارجی (قدرت‌های مداخله‌گر)، زمینه قلمروگستری سازمان‌های بنیادگرای تروریستی مانند داعش را در تونس فراهم آورده است. نتیجه پژوهش نشان داد که شکنندگی دولت، ساختار جغرافیایی و پیوستگی‌های ژئوپلیتیکی، به همراه محظورات سیاسی و بین‌المللی حاکم بر تونس زمینه قلمروییابی و قلمروگستری داعش را فراهم کرده است، اما عدم همراهی نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی و ناکامی این گروه در فرایند قلمروداری مانع از پیدایش موجودیت سیاسی-فضایی نوینی شد.

کلیدواژه‌ها: قلمرو، بنیادگرایی، نظریه میدان متحد، دولت شکننده، تونس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵

*نویسنده مسئول: m.rasouli@modares.ac.ir

مقدمه

طی چند سال اخیر، منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا (MENA)، کانون بحران‌های متعدد ژئوپلیتیک بوده است. در این میان، قلمروییابی و قلمروگستری سازمان‌های بنیادگرای اسلامی طی این بازه زمانی کشورهای منطقه یادشده را با بحران‌های امنیتی متعددی مواجه ساخته است، به‌طوری که گروه موسوم به "داعش" یا "دولت اسلامی" یکی از مهم‌ترین این سازمان‌ها بوده است. با برآمدن این گروه در عراق و سوریه فصل نوینی از تحولات قلمروخواهانه در تاریخ تحولات این منطقه گشوده شد. در این میان، بیشتر حکومت‌های منطقه کمابیش درگیر تراکم بحران مشروعیت (هویت و کارآمدی) هستند و نارضایتی عمومی نسبت به کارکرد و کارآمدی حکومت در این کشورها زمینه پیدایش و

گرایش شهروندان را به این سازمان‌ها فراهم کرده است. از این رو، زمینه‌های ظهور قلمروییابی و قلمروگستری سازمان‌های یادشده پیش از این فراهم شده بود. پس از شروع ناآرامی‌ها و فرار بن علی در تونس به‌عنوان نقطه آغاز، گسترش موج تظاهرات مردمی در مصر و در نتیجه سقوط حکومت سی‌ساله حسنی مبارک به پیروزی انقلابیون منجر شد. تونس علی‌رغم ظاهر جامعه‌ای مدرن و نوگرا، از نظر تجانس اجتماعی و روند دولت-ملت‌سازی، وضعیت مطلوبی ندارد. در این کشور، ساختار سیاسی اقتدارگرا در کنار ویژگی‌هایی چون شخصی‌بودن قدرت، سکولاریسم، دیکتاتوری حزبی و فساد گسترده، زمینه‌های نارضایتی و شکل‌گیری بحران‌های متراکمی چون بحران مشارکت، هویت و مشروعیت را ایجاد کرده بود. این بحران‌ها در کنار عوامل دیگری چون شکاف طبقاتی، رشد جمعیت و بیکاری گسترده به‌ویژه در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیز بر بحران‌های مذکور دامن زد که عملاً قاطبه ملت تونس را در مقابل حکومت بن علی قرار داده بود. در چنین شرایطی، خودسوزی محمد بوعزیزی به مثابه جرقه‌ای بر مطالبات عمیق و نارضایتی‌های گسترده مردم عمل نمود و منجر به انقلاب و پیروزی انقلابیون شد^[1]. تونس برخلاف مصر و لیبی که بعد از انقلاب دچار خلأ قدرت و ضعف در دولت مرکزی شدند، با ائتلاف میان اسلام‌گرایان و سکولارها و شکل‌گیری دولت ائتلافی، توانسته است در مقایسه با کشورهای دیگر از نظر پیش‌نیازهای شکل‌گیری دموکراسی، وضعیت مطلوب‌تری داشته باشد. اما در هر حال این کشور به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و مرز مشترک با لیبی به‌عنوان گذرگاه و بندری امن برای عبور و مرور تروریست‌ها شناخته شده است. در این کشور، تعدادی از سازمان‌های کوچک از جمله "جندالخلافة تونس" و "طلائع جندالخلافة" که به‌تازگی شکل گرفتند وفاداری خود را به سازمان داعش اعلام کرده‌اند^[2]. بنابراین با توجه به دلایل یادشده کشور تونس یکی از مراکزی است که تاکنون هم مرکز پناهگاه و هم به نقل از محافل خبری مرکز آموزش تروریست‌ها و صدور آنها به کشورهای جنوب غرب آسیا (عراق و سوریه) و در حال و آینده به اروپا بوده است. فرسودگی حکومت، عدم گردش نخبگان، شخصی‌بودن قدرت، سرکوب سیاسی، فساد گسترده و توسعه نامتوازن در کنار بحران هویت، توزیع منابع، کارآمدی و ظهور امکانات جدید مانند تمدن دیجیتال و بیکاری جوانان و شکاف بین نسلی، زمینه را در تونس به‌عنوان اولین کشور عربی فراهم کرد که در نهایت به تغییر ساخت سیاسی و تأثیرات دومینویی آن بر منطقه انجامید. در کنار تمامی موارد یادشده، ساختار قبیله‌ای، مناسبات اجتماعی حاکم بر این کشور، فعالیت‌های گروه‌های بنیادگرا مانند القاعده مغرب اسلامی و فضای آتومی ناشی از عدم شکل‌گیری یک ساخت سیاسی هژمونیک و تحولات و تحریکات در عراق و سوریه، این منطقه را به محیطی مطلوب برای شکل‌گیری و رشد سازمان‌های بنیادگرای اسلامی فراهم ساخت. چنین فرصت‌هایی زمینه قلمروییابی و قلمروگستری داعش را در شمال

حال، نظریه یادشده میدان (کشور) را در یک ساختار جغرافیایی بدون توجه به ساختار حاکم بر نظام ژئوپلیتیک جهانی تصور می‌کند. به عبارتی، متغیر مستقل اندیشه سیاسی است که سبب ایجاد تصمیمی در ساکنان یک قلمرو جغرافیایی می‌شود و در نهایت جنبشی (حرکت) در داخل آن ساختار می‌آفریند که فرجام آن، ایجاد کشور (ناحیه سیاسی) است. از این رو، کارکرد ساختار ژئوپلیتیک جهانی ناچیز پنداشته می‌شود و نسبت به علایق و منافع نظام ژئوپلیتیک جهانی و نیروهای فراملی سکوت اختیار می‌کند. این در حالی است که از صلح و ستفالی به بعد، کارکرد چنین ساختارهایی به‌عنوان یک عامل ژئوپلیتیک اثرگذار در بسیاری از موارد مقدم بر اندیشه سیاسی در ساختارهای جغرافیایی شکل‌گرفته یا تجزیه‌شده خود را نشان داده است (مدل مفهومی ۱؛ شکل ۱) [6].



شکل ۱) مدل مفهومی ۱؛ نظریه میدان متحد

بنیادهای مفهومی

قلمرو و قلمروگستری

واژه قلمرو ناظر بر فضای محدودشده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به‌عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. به فراخور وسعت و توانش مادی، قلمروهای مختلفی وجود دارند که زمینه بروز طیفی از کنش‌های مختلف از همکاری تا جنگ ساکنان هستند. در حوزه رفتار انسان اجتماعی، قلمروبخشی از سطح زمین است که گروهی خاص یا موجودیتی سیاسی، مدعی مالکیت و حاکمیت آن است. بر این پایه، قلمروها نشان‌دهنده اعمال قدرت بر فضا هستند که در عالی‌ترین سطح در قالب کشور-ملت‌ها سر بر آورده‌اند. امروزه جغرافی‌دانان همانند زیست‌شناسان واژه قلمرو را به مفهوم عام آن به کار می‌برند، یعنی ناحیه‌ای که در آن حقوق مالکیت اعمال و به طریقی محدود و مرزبندی می‌شود. جغرافی‌دانان از واژه مرز برای بیان حدود چنین قلمروهایی استفاده می‌کنند [7]. در سطح کره زمین نواحی متفاوتی وجود دارند که موقعیت و کارکرد قلمرو این نواحی راهبرد پایش (کنترل) آن محدوده را گریزناپذیر می‌کند [8]. پایشی که عمدتاً زمینه کنش ساکنان را در قالب همزیستی، هم‌آوردی و کشمکش (از مقیاس خرد تا کلان) به دنبال داشته است. در جغرافیای سیاسی سه مفهوم سرزمین، مرز و حاکمیت برای شکل‌دهی به قلمرو، رابطه نزدیکی دارند. بر این اساس، قلمرو، فضای متأثر از قدرت، سلطه و مالکیت است [9]. اما بخشی از تمایلات قلمروخواهانه انسان که ناظر بر فزون‌خواهی و سیطره‌جویی انسان است و در اشکال کشورگشایی، چپاول، استثمار، سلطه‌جویی بر دیگر قلمروها نمود می‌یابد قلمروگستری نام دارد. از آنجا که قلمروخواهی کوشش و زمینه‌ای برای ساخت قلمرو و قلمروگستری است، پس مستلزم

آفرینا به‌ویژه در کشور تونس فراهم کرد [3]. پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که درهم‌تنیدگی عوامل و زمینه‌های داخلی همچون موقعیت راهبردی و منابع انرژی، بحران مشروعیت، بی‌عدالتی‌های فضایی (محور- حاشیه)، ضعف عوامل همبسته‌ساز ملی و مداخله بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، شرایط و محظورات بعد از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و جنگ‌های اعراب و اسرائیل به همراه پیوستگی جغرافیای ایدئولوژیک این منطقه، زمینه‌های قلمروبابی و قلمروگستری سازمان‌های بنیادگرایی همچون داعش و دیگر گروه‌های متحد در کشور تونس را فراهم آورده است.

ابزار و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز نیز به روش کتابخانه‌ای فراهم و گردآوری شده است. در این چارچوب، نخست با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای (داخلی و خارجی این پژوهش از مدارک و اسناد مکتوب مانند کتب داخلی و خارجی، مجلات تخصصی و مقالات) و نیز از اطلاعات شبکه جهانی (اینترنت) برای جمع‌آوری اطلاعات بهره‌جسته و سپس با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، اقدام به تحلیل داده‌ها شده است.

بنیادهای نظری و مفهومی پژوهش

نظریه میدان متحد

از زمان طرح دانش جغرافیای سیاسی تاکنون جستار دولت یا کشور، کانون پژوهش‌های این دانش قرار داشته به‌گونه‌ای که در خلال این زمان رویکردهای مطالعاتی و نظری مختلفی در حوزه مفهومی و مصداقی دولت مطرح شده که از میان آنها نظریه میدان متحد / استفان بی جونز (۱۹۵۴) از گیرایی بیشتری برخوردار بوده است [4]. نظریه میدان متحد، عنوان یک تئوری در فیزیک است که / استفان جونز با واردکردن این واژه در جغرافیای سیاسی و تلفیق سه نظریه این حوزه یعنی "درونت ویتلسی"، "ریچارد هارتشورن" و "ژان گاتمن" نظریه جدید خود را مطرح کرد. این نظریه ناظر بر کوشش او برای پیوند علوم جغرافیایی با علوم سیاسی بود. در چارچوب این نظریه پیدایش کشور در قالب حوضچه‌های مرتبط از فرآیند اندیشه سیاسی آغاز و به واحد سیاسی- فضایی کشور می‌انجامد. فرآیند پیدایش کشور پیوستگاه علوم سیاسی و جغرافیا است که جونز از آن به‌عنوان "میدان متحد" یاد می‌کند [4]. کانون این نظریه بر این انگاره استوار است که اندیشه و گزینش انسان در یک ناحیه سیاسی می‌تواند پیامدهای جغرافیایی- سیاسی داشته باشد. این نظریه در شکل زنجیره‌ای از واژگان مرتبط، همانند یک رشته حوضچه‌های آبریز که در سطح یک رودخانه به هم متصل می‌شوند، آرایه شده است، به این معنا که هر چیزی که در سطح اول (اندیشه سیاسی) وارد شود به سطوح دیگر نیز روان خواهد شد. جونز بر این باور است که اندیشه و کشور دو سر طیف این زنجیره را شکل می‌دهند [5]. با این

روش‌ها و ابزارهای متعددی است که طی زمان تکامل یافته‌اند و امروزه بسیاری از آنها ماهیتی نرم‌افزاری دارند. با این حال، کنشگران و بازیگران سیاسی برای قلمروخواهی الزاماً نیازمند پایش کامل و به‌دست‌آوردن سرزمین نیستند بلکه نفوذ و کنترل اذهان عمومی و کنشگران سیاسی نیز آن سرزمین را به قلمروی آنها تبدیل می‌کند. به همین دلیل است که دانشمندان معتقدند قلمروگستری و گونه‌های مختلف ابزار آن، باید به‌عنوان وسیله‌ای برای نیل به یک هدف مشخص همانند ادامه بقا، سلطه سیاسی و یا بیگانه‌ستیزی شناخته شود^[10]. قلمروگستری گاه با رویکردی بهره‌کشانه و بی‌پروایانه نسبت به حقوق اکولوژیک دیگر موجودیت‌های انسانی همراه می‌شود. بدین معنا که برخی دولت‌ها همواره درصد بوده‌اند از راه‌های مختلف، محدوده قلمروی خود را گسترش دهند. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که نخبگان حاکم به این نتیجه برسند که فضای اختصاص‌یافته موجود نمی‌تواند تامین‌کننده نیازهای کنونی و آینده ساکنان (مردم) و فعالیت‌های ضروری آنها باشد. در چنین وضعیتی قلمروخواهی اساساً ماهیت توسعه‌طلبانه می‌یابد و به تلاش برای دستیابی به ابزارهایی برای الحاق فضای بیشتر می‌انجامد^[11].

بنیادگرایی و تروریسم بنیادگرا

از آنجا که بنیادگرایی در سال‌های اخیر به‌دلیل رخدادهایی نظیر گسترش در بخش‌هایی از جهان چون جنوب غرب آسیا، افزایش نقش آن در منازعه اعراب-اسرائیل، اسلام سیاسی در تعدادی از جمهوری‌های شوروی سابق و رسوایی‌های اخیر بنیادگرایان مسیحی در ایالات متحده، خود را به عرصه عمومی تحمیل کرده است^[12]، محققان دانشگاه شیکاگو با ارایه "پروژه بنیادگرایی" نگاهی پلورال و میان‌فرهنگی به تعریف بنیادگرایی کرده و معتقدند مراد از بنیادگرایی، گروه‌های مذهبی هستند که در واکنش به بحرانی که تصور می‌کنند هویت گروهی آنها را تهدید می‌کند، ظاهر می‌شوند و برای محافظت از خود در برابر "غیر"، مرزهای فرهنگی، ایدئولوژیکی و اجتماعی محکمی دور خود می‌چینند. بر این مبنا، اساس بنیادگرایی بر ناخرسندی از وضعیت موجود استوار است^[13]. با فعال‌شدن نقش سازمان‌های تروریستی بنیادگرا در جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا، عنوان بنیادگرایی اسلامی برای تحلیل رفتار این گروه‌ها مورد بهره‌برداری بسیاری از پژوهشگران و سیاست‌مداران قرار گرفت، اما از سوی دیگر، بنیادگرایان بر این باورند که آرمان آنها اهمیت حیاتی و حتی جهانی دارد. آنها خود را به‌عنوان کسانی می‌بینند که نه‌تنها از یک نظریه متمایز بلکه همچنین از یک اصل حیاتی و یک شیوه زندگی و رستگاری محافظت می‌کنند. جامعه‌ای که تماماً بر یک رویکرد دینی واضح و خاص از زندگی در تمامی جنبه‌های خود تمرکز کرده، وعده جنبش‌های بنیادگرا است و از این رو برای آن دسته از پیروان دین که در این مساله اندکی تمایز می‌بینند یا در هویت دینی پیشین آنها کاملاً حیاتی است، جذاب و پراهمیت است^[14]. تروریسم با انگیزه‌های بنیادگرایی سابقه و تاریخ بسیار طولانی

دارد. گروه‌های بسیاری براساس اعتقادات و برداشت‌های مذهبی خود، اقدامات خشونت‌آمیز و تروریستی را مرتکب می‌شدند، اما در دوره مدرن، پس از کمرنگ‌شدن ایده‌هایی مانند حقوق الهی شاهان و ظهور اندیشه‌های ناسیونالیستی، تروریسم بیشتر بر پایه آنارشیزم، نیهیلیسم و سیاست‌های انقلابی شکل گرفت. با این حال از سال ۱۹۸۰، فعالیت‌های تروریستی با انگیزه‌های بنیادگرایانه مجدداً رشد پیدا کرد که کانون اصلی آن کشور پاکستان بود. بروس هافمن برای "تروریست بنیادگرای مدرن" سه صفت مشخص را در نظر می‌گیرد: ۱- عاملان باید از کتاب‌های مذهبی برای توجیه یا توضیح اعمال خشونت‌آمیز خود و همچنین جذب و استخدام نیرو استفاده کنند. ۲- چهره‌های مذهبی باید نقش رهبری گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی داشته باشند. ۳- عاملان باید از تصاویر آخرالزمانی برای تصدیق اعمال خود استفاده کنند^[15]. عوامل متعددی در به‌وجودآمدن گروه‌های تروریستی بنیادگرا، نقش دارند. یکی از عوامل عمده، ایجاد تغییرات در محیط اطراف چنین گروه‌هایی است. حوزه‌های مختلفی از قبیل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناختی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. مروری بر پیدایش و گسترش گروه‌های تروریستی بنیادگرا نشان می‌دهد که تاکتیک‌ها و تکنیک‌های استفاده‌شده توسط آنها، واکنشی به تغییرات گسترده محلی، منطقه‌ای و جهانی در طول چند دهه اخیر بوده است. تقریباً اکثر این گروه‌ها در طول چند دهه گذشته و از میانه‌های دهه ۱۹۶۰ به وجود آمده‌اند^[16]. با توجه به مطالبی که ارایه شد می‌توان دو خصوصیت کلی برای سازمان‌های تروریستی بنیادگرا ذکر کرد: اول اینکه دکتترین آنها در پاسخ به تهدیدات سیاسی، شکل گرفته و حالتی افراط‌گونه، به خود می‌گیرند. دوم، اینکه مشروعیت‌های مذهبی ارایه‌شده توسط این گروه‌ها به‌دلیل تحریک و جذب اعضا و مبارزه با مخالفان است.

دولت شکننده

به لحاظ مفهومی دولت شکننده دولتی است که مستعد بحران در یک یا چند زیرمجموعه خود است. به عبارتی چنین دولتی نسبت به شوک‌های داخلی و خارجی یا بحران‌های داخلی یا بین‌المللی آسیب‌پذیر است. در دولت شکننده ترتیبات نهادی متضمن شرایط بحران هستند. به‌عنوان مثال، در شرایط سیاسی، نهادها ممکن است ائتلافی برای قبضه انحصاری قدرت ایجاد کنند. دولت باثبات نقطه مقابل این شرایط است. علاوه بر این تعریف، چندین تعریف از محققین در این زمینه ارایه شده است که مواردی از آن بیان می‌شود. دولت‌های شکننده دولت‌هایی هستند که نمی‌توانند حداقل شرایط مدنی مانند صلح، نظم و امنیت داخلی را تضمین کنند. دولت شکننده را می‌توان براساس نابودی عملکردهای حکومت که از نظر بین‌المللی برای یک دولت شناخته‌شده هستند، تعریف کرد^[17]. /ولسون پیشنهاد می‌کند که فهرست دولت‌های شکننده می‌تواند شامل دولت‌هایی شود که با مشکلات داخلی جدی روبه‌رو هستند که انسجام پیوسته آنها را تهدید می‌کند یا

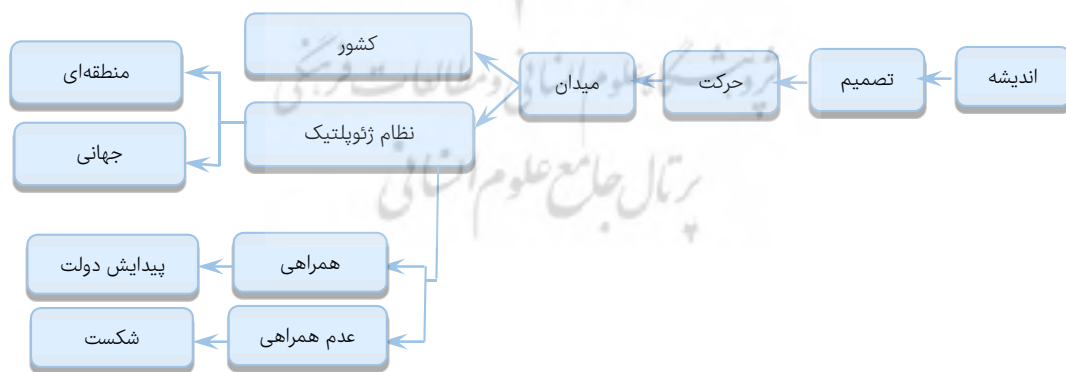
می‌شوند. کشمکش‌های خشونت‌آمیز و سازمان‌یافته، امنیت افراد را به خطر می‌اندازد و به تولید فقر و ناداری در جامعه کمک می‌کند [19].

بر پایه بنیادهای مفهومی و نظری پژوهش می‌توان به چارچوب و مدل مفهومی ۲ دست یافت (شکل ۲). در تشریح این مدل اینگونه می‌شود بیان کرد که تاریخ جوامع گوناگون از جمله کشورهای شمال آفریقا به‌ویژه تونس ثابت می‌کند که در اثر ناکارآمدی و عدم توانایی دولت‌ها در پاسخگویی به نیازها و مطالبات به‌تدریج می‌تواند بحران‌هایی در ابعاد هویتی، توزیع منابع، بی‌عدالتی فضایی و تضعیف‌شدن عوامل همبسته‌ساز ملی ظهور و بروز یابد و طی زمان به انباشت بحران‌ها و بحران مشروعیت سیستم منجر شود و وضعیتی را پیش آورد که دولت از سوی عوامل داخلی و خارجی آسیب‌پذیر شود و در حالت شکنندگی قرار گیرد، به گونه‌ای که این دوره از بحران‌ها، بهار اندیشه‌های ارتجاعی است که ترکیب توامان آن با مشکلات روزمره مانند تورم، بیکاری، نابرابری‌های اجتماعی، بحران هویت و بی‌اعتمادی به نخبگان سیاسی به تسهیل در ظهور و یا پذیرش اندیشه‌ها و جنبش‌های رادیکال بیانجامد و پس از آن این جنبش‌ها یا هویت‌سازی جدید (دگرهویتی) در صدد مشروعیت‌یابی، جایگزینی، قلمرویابی و قلمروگستری برآیند (مدل مفهومی ۳؛ شکل ۳).

چالش‌های داخلی مهمی برای نظم سیاسی دارند [18]. شکننده‌شدن دولت به معنای این است که نهادهای رسمی دولت جایگاه و مفیدبودن خود را به‌عنوان مرکز تخصیص منابع و ثروت و اعمال قدرت مشروع از دست بدهند. دولت‌های ضعیف دولت‌هایی هستند که قادر به تامین امنیت برای مردم نیستند، کنترلی بر منابع ندارند یا مهم‌تر از همه، مردم حکومت آنها را برای جامعه مفید و مناسب نمی‌دانند و از خواسته آنها در برابر رقبا حمایت نمی‌کنند. وقتی رقبای سیاسی در جامعه‌ای توان جلب نظر مردم و در نتیجه، به‌دست‌گرفتن همه ارکان قدرت را از طریق انتخابات و یا سایر سازوکارها ندارند، دولت شکننده در جامعه نمود و ظهور می‌یابد، نهادهای دولتی از هم می‌پاشند و مردم مرکزیتی برای ابراز وفاداری، ارائه خدمات و تولید و توزیع ثروت و قدرت نمی‌یابند. مرجع اعمال زور مشروع از بین رفته و رقابت بین گروه‌های مختلف در جامعه برای کسب این حق برتر ابعاد وسیع‌تری می‌گیرد. بهره‌گیری از قدرت و زور برای وادار ساختن طرف‌های مقابل به تمکین تشدید می‌شود و گروه‌های مسلح در جامعه گسترش می‌یابند، بدون آنکه یکی از آنها از چنان توانی برخوردار باشد که بتواند بر رقبا غلبه کند و تمام ارکان قدرت را در اختیار بگیرد و به انجام وظایف ذاتی دولت‌ها در برابر مردم بپردازد. در چنین شرایطی است که مردم قربانی وضعیت ناهنجار سیاسی در جامعه و ناکارآمدی دولت در انجام وظایف خود



شکل ۲) رابطه میان دولت شکننده و قلمروگستری سازمان‌های بنیادگرا



شکل ۳) مدل مفهومی ۳؛ مدل به‌روزرسانی‌شده میدان متحد / استفان جونز

فضایی براساس آمارهای بانک جهانی درباره اندازه، رشد فساد، شفافیت بین‌المللی، توسعه انسانی، نرخ فقر و بیکاری این کشور به همراه بازتاب‌های فضایی آن، ۵- مستندات ضعف عوامل همبسته‌ساز ملی به روایت موسسه بنیاد صلح در سال ۲۰۱۹ وضعیت دولت تونس به‌عنوان دولت شکننده را براساس شاخص‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تشریح می‌کند. ۶-

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش در شش بخش آورده شده است: ۱- محیط‌شناسی کشور تونس، ۲- مستندات موقعیت راهبردی و منابع عظیم نفتی، ۳- مستندات بحران مشروعیت در تونس و سنجش میزان آن با شاخص‌های ارائه‌شده براساس نتایج تحقیقات سالیانه واحد اطلاعات اکونومیست، ۴- مستندات بی‌عدالتی

مستندات قدرت‌های مداخله‌گر در زمینه‌سازی قلمروگستری سازمان بنیادگرایی داعش در تونس

محیط‌شناسی

تونس

تونس شمالی‌ترین کشور قاره آفریقا است که در حاشیه دریای مدیترانه واقع شده است و با کشورهای الجزایر و لیبی مرز مشترک دارد. این کشور در ۳۰ درجه طول و ۳۷ درجه عرض شمالی واقع شده است. مساحت این کشور ۱۶۳،۶۱۰ کیلومتر مربع بوده و دارای ۹۶۵ کیلومتر مرز مشترک با الجزایر و ۴۵۹ کیلومتر مرز مشترک با لیبی است [20]. یعنی از شمال و شرق با دریای مدیترانه، از غرب با الجزایر و از جنوب شرقی با لیبی همسایه است. این کشور همچنین از شمال به کوه‌های اطلس و از جنوب به مناطق صحرایی محدود می‌شود. همچنین طول سواحل آن در دریای مدیترانه، ۱۱۴۸ کیلومتر است (شکل ۴).



شکل ۴) موقعیت جغرافیایی کشور تونس در شمال آفریقا

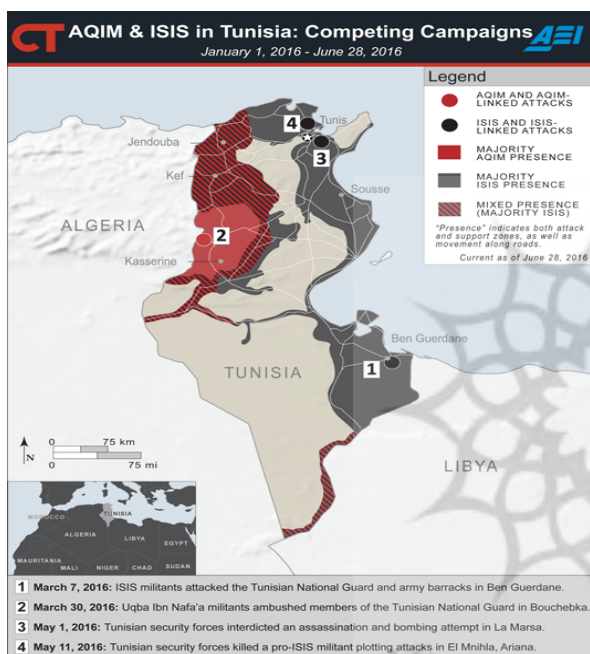
بلندترین نقطه سرزمین تونس، کوه الشعانبی با ارتفاع ۱۵۴۴ متر است و جزیره‌های مهم آن زمبره، قرقنه و ربه هستند [21]. جمعیت این کشور براساس سرشماری اول ژوئیه سال ۲۰۱۸ معادل ۱۱/۵۷۰/۰۰۰ نفر بوده است [22]. از این تعداد سن ۴۰٪ آنها زیر ۲۴ سال است و قریب به ۵۰٪ نیز بین ۲۵ تا ۵۴ سال سن دارند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که تونس دارای جمعیتی جوان است. نرخ رشد جمعیت در تونس کمتر از ۱٪ است [23]. بررسی‌های ریخت‌شناسی (ژنتیکی) نشان می‌دهد که این مردم از دیدگاه نژادی همگن نیستند و آمیزه‌ای از تیره‌های گوناگون هستند که در طول تاریخ پر فراز و نشیب این کشور از آسیا و اروپا به شمال آفریقا کوچ کرده‌اند. مردمان کرانه‌های شمالی تونس به دلیل مهاجرپذیری این سامان، آمیزه‌ای از بربر (آمازیغ‌ها)، فنیقی‌ها و کارتاژی‌ها، رومیان، وندال‌ها، الان‌ها و عرب‌ها هستند. این در حالی است که مردمان بخش‌های درونی و جنوبی تونس

بیشتر تبار بربر (آمازیغی) دارند. در تونس اقلیتی بربرزبان نیز زندگی می‌کنند. بربرزبانان بیشتر در جنوب جزیره جربه و مناطق مظمطاه، الدویرات و شنی سکونت دارند [23]. زبان رسمی تونس، عربی استاندارد است، اما تونسی‌ها با گویش ویژه‌ای از عربی سخن می‌گویند که به گویش کاربردی در مالت نزدیک است. البته به ترتیب، زبان‌های فرانسه، انگلیسی و تا حدی ایتالیایی نیز در امور اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. دین رسمی تونس، اسلام و مذهب تونسی‌ها عمدتاً سنی (مالکی) است. در این کشور ۹۸٪ مسلمان، کمتر از ۱٪ مسیحی، کمتر از ۱٪ یهودی و بقیه معتقدین به ادیان دیگر هستند [24].

بازتاب تحولات اخیر شمال آفریقا در قلمروگستری سازمان‌های بنیادگر در تونس

تحولات اخیر منطقه شمال آفریقا که تقریباً از اواخر سال ۲۰۱۰ شروع و با آغاز سال ۲۰۱۱ یکی پس از دیگری تقریباً دامن تمام جوامع عربی منطقه را درنوردید، مورد تفاسیر و تعبیر گوناگونی در تبیین دلایل، روندها و پیامدها قرار گرفته است. فرار بن علی از تونس به‌عنوان نقطه آغاز، گسترش موج تظاهرات مردمی در مصر و در نتیجه سقوط حکومت سی‌ساله حسنی مبارک، درگیری شدید انقلابیون لیبی با معمر قذافی بیانگر نمونه‌هایی از تحولات عمیق اخیر این منطقه بوده است. تونس به‌طور کلی جامعه‌ای مدرن و نوگرا است که از نظر تجانس اجتماعی و روند دولت-ملت‌سازی، وضعیت مطلوبی ندارد. در این کشور، ساختار سیاسی اقتدارگر در کنار ویژگی‌هایی چون شخصی‌بودن قدرت، سکولاریسم، دیکتاتوری حزبی و فساد گسترده، زمینه‌های نارضایتی و شکل‌گیری بحران‌های متراکمی چون بحران مشارکت، هویت و مشروعیت را ایجاد کرده بود. این بحران‌ها در کنار عوامل دیگری چون شکاف طبقاتی، رشد جمعیت و بیکاری گسترده به‌ویژه در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیز بر بحران‌های مذکور دامن زد که عملاً قاطبه ملت تونس را در مقابل حکومت بن علی قرار داده بود. در چنین شرایطی، خودسوزی محمد بوعزیزی به مثابه جرقه‌ای بر مطالبات عمیق و نارضایتی‌های گسترده مردم عمل کرد و منجر به انقلاب و پیروزی انقلابیون شد [1]. اما تونس برخلاف مصر و لیبی که بعد از انقلاب دچار خلأ قدرت و ضعف در دولت مرکزی شدند. این کشور با ائتلافی که میان اسلام‌گرایان و سکولارها و شکل‌گیری دولت ائتلافی به نظر می‌رسد در مقایسه با کشورهای دیگر از نظر پیش‌نیازهای شکل‌گیری دموکراسی، وضعیت مطلوب‌تری داشته باشد. اما در هر حال این کشور به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و مرز مشترک با لیبی به‌عنوان گذرگاهی امن برای عبور و مرور تروریست‌ها شناخته شده است و در این کشور تعدادی از سازمان‌های کوچک از جمله "جندالخلافة تونس" و "طلائع جندالخلافة" که به‌تازگی شکل گرفتند وفاداری خود را به سازمان داعش اعلام کرده‌اند. مهم‌ترین تشکیلات تحت بیعت قصرین تونس، گروه جندالخلافة است. این گروه که در استان قصرین فعالیت می‌کند مستقیماً با شاخه جندالخلافة در الجزایر در ارتباط

برنامه‌ریزی فرماندهان تکفیری تونس و حامیان خارجی آنها بر ایجاد بستری جدید برای جهاد در سرزمین مادری قرار گرفت [27]. در ارتباط با حضور بنیادگرایان در این کشور بدین شکل می‌شود اذعان کرد که تونس به دلیل داشتن مرز مشترک با لیبی به‌عنوان گذرگاهی امن برای عبور و مرور نیروهای داعش شناخته می‌شود. در این بین، شهر تطاوین در تونس به‌عنوان مکانی شناخته می‌شود که نیروهای داعش بیشترین تردد را در آن دارند و بین این شهر و پایگاه‌های داعش در لیبی رفت و آمد بسیاری وجود دارد. با این حال، داعش منطقه خاصی در تونس تحت کنترل و سیطره خود ندارد، اما تعدادی از سازمان‌های کوچک از جمله "جندالخلافة تونس" و "طلائع جندالخلافة" که به‌تازگی شکل گرفتند وفاداری خود را به سازمان داعش اعلام کرده‌اند (شکل ۵).



شکل ۵) موقعیت داعش در تونس

موقعیت راهبردی و منابع انرژی

از منظر موقعیت سرزمینی، تونس در ساحل جنوبی دریای مدیترانه واقع شده و از نظر تجاری و بازرگانی از اهمیت فراوانی برخوردار است که بیشترین اهمیت ژئوپلیتیک آن به موقعیت آن در جنوب مدیترانه برمی‌گردد. بنابراین با توجه به موقعیت استراتژیکی تونس در شمال آفریقا و در کنار دریای مدیترانه، این کشور در طول تاریخ ۳ هزارساله خویش در معرض رفت و آمد تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف قرار گرفته که مهم‌ترین آن شامل قرطاجی‌ها (با پایه‌گذاری یک زن به نام علیسه)، رومی‌ها، مسلمان‌ها (عرب‌ها، خراسانی‌ها و ترک‌ها) و اروپایی‌ها (پرتغال، اسپانیا و فرانس) است [28]. تونس در سال ۱۸۸۱ میلادی تحت حمایت فرانسه قرار گرفت که به گفته خود تونس‌ها این تحت‌الحمایه‌بودن، بالاترین ضرر را به این کشور و مردم عربی زده است (شکل ۶).

است. جندالخلیفه در واقع حاصل یک انشقاق در گروه عقبه‌بن‌النافع بود که بخشی از نیروهای این گروه تصمیم به ماندن در تشکیلات القاعده و برخی دیگر تصمیم به پیوستن به داعش می‌گیرند. بنابراین کشور تونس با توجه به دلایل یادشده یکی از مراکزی است که تاکنون هم مرکز پناهگاه و هم به نقل از محافل خبری مرکز آموزش تروریست‌ها و صدور آنها به کشورهای جنوب غرب آسیا (عراق و سوریه) و در حال و آینده به اروپا بوده است. بر بنیاد چنین شناسه‌هایی غربی‌ها به‌ویژه ایالات متحده برای مهار انقلاب و مقابله به جریان اسلام‌گرایی در این کشور با توجه به زمینه‌های فراهم‌شده حضور بنیادگرایان را تسهیل کرده‌اند، به گونه‌ای که می‌توان یکی از بازتاب‌های عملی‌نشدن اهداف انقلاب در تونس را حضور تروریست‌ها و بنیادگرایان تلقی کرد. با این وجود، در حال حاضر در مناطقی از این کشور همچون تونس به دلیل اقلیم و منابع نفتی آن جولانگاه حضور سازمان‌های بنیادگرا شده است که بازتاب عینی تحولات اخیر شمال آفریقا و انقلاب تونس را حضور داعش می‌توان تلقی کرد، به طوری که در حال حاضر، یکی از مشکلات این کشور که هزینه‌های زیادی را نه تنها بر تونس بلکه بر کشورهای این منطقه تحمیل کرده است، قلمروپایی و قلمروگستری سازمان‌های بنیادگرایان چون داعش است.

دولت اسلامی (داعش) در تونس

دولت اسلامی عراق و شام (داعش) پس از گسترش متصرفات خود در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ اعلام کرد که از این پس نام آن "دولت اسلامی" است و یک خلافت جهانی را تشکیل داده است و /بوکر بغدادی رهبر گروه را نیز به‌عنوان خلیفه معرفی کرد تا قلمروی سرزمینی و فعالیت‌های حکومتی خود را گسترش دهد.

به‌طور کلی، درباره نقشه قلمروگستری داعش در شمال آفریقا می‌توان گفت که این گروه در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی به سه شکل حضور دارد: نخست، کشورهایی مانند لیبی که داعش مناطقی از آنها را تحت سیطره و نفوذ خود قرار داده است، دوم، کشورهایی مانند مصر و الجزایر که داعش بدون تصرف و کنترل مناطقی در آنها حضور دارد و سوم، کشورهایی مانند تونس و مراکش که داعش در آنها به عملیات تروریستی اقدام کرده است [25]، به طوری که اولین حمله القاعده پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ در جزیره تفریحی جبرا در تونس به وقوع پیوست. در این حمله یک تونس‌ی، کامیون حامل مواد منفجره را در مقابل کنیسه یهودیان منفجر کرد که به مرگ ۱۴ توریست اروپایی انجامید [26]. از سال ۲۰۱۳ رشد شدید مهاجرت جنگجویان سلفی از خاک این کشور به لیبی، عراق و سوریه بوده است. طبق تخمین‌های نسبتاً معتبر حدود ۱۵۰۰ فرد با تابعیت تونس‌ی به لیبی و بیش از ۴ هزار نفر به خاک سوریه و عراق منتقل شدند و به گروه‌های داعش و جبهه‌النصره (هیات تحریرالشام فعلی) پیوستند، اما با تضعیف و نابودی تدریجی خلافت داعش و بازگشت بسیاری از تروریست‌های خارجی عضو این گروه به کشورهای مبدأ، این بار

بحران مشروعیت

در طول دو دهه آخر قرن بیستم، کاهش مشروعیت یک مشکل عظیم برای اکثر رهبران آفریقایی بود. همزمان با آن، توانایی سرکوب دولت‌ها کاهش یافت، در نتیجه دولت‌ها برای حفظ اقتدارشان بر روی مردم و سرزمین خود تجربیات سختی را گذراندند^[31]. هر نظم سیاسی صرف نظر از دموکراتیک یا استبدادی نیاز به یک ایده اصلی و پایه‌ای برای کسب مشروعیت دارد. این مساله البته بیشتر در مورد رژیم‌های خودکامه قرن ۲۱ صدق می‌کند، اما در دوران حکومت دوقطبی کمونیسم و امپریالیسم بر جهان نیز کسب مشروعیت عمومی اعم از سیاسی و غیره، به هر صورت تضمین‌کننده ادامه حیات یک رژیم محسوب می‌شد. با این حال مشروعیت در واقع مفهومی سیال به حساب می‌آید. به همین دلیل بحران مشروعیت لزوماً منجر به تغییر خودکار یک رژیم یا فروپاشی نظم مستقر نمی‌شود. مشروعیت البته نتیجه و حاصل یک رفتار مداوم و پایدار است اما همواره به یک توافق و بستر پایدار نیز نیاز دارد، بستری که شرط اصلی برای ادامه حیات یک نظم سیاسی و شالوده و اساس ساختار روابط میان جامعه و دولت به شمار می‌رود^[32]. به‌طور مشخص در کشور تونس، در طول مدت ریاست جمهوری بن علی عوامل متعددی همچون محدودیت دایره قدرت، ضعف در چرخش نخبگان سیاسی، انسداد مجاری تحرک اجتماعی و سیاسی، فساد گسترده دولت و دستگاه حاکم، افزایش شکاف طبقاتی و افزایش آگاهی نسبت به آن و افزایش بیکاری و فقر منجر به فعال شدن بحران‌های مشروعیت، کارایی و سلطه در سطح قدرت دولتی و در نتیجه گسترش نارضایتی در سطح جامعه شدند^[33]. بر بنیاد چنین شناسه‌هایی، بلوغ سیاسی، حلقه مفقوده مردم انقلابی تونس است. به اعتقاد صاحب‌نظران، مردم تونس که پس از نیم قرن از زیر چکمه استبداد نظامیان رهایی یافته بودند برای سرنگون کردن دولتی برآمده از انتخابات آزاد بار دیگر به نظامیان متوسل شدند و این امر چیزی جز عدم بلوغ سیاسی نیست. همچنین عده‌ای از نظریه‌پردازان و کارشناسان فقدان زعیمی کاریزماتیک و با درایت را عامل اصلی انحراف انقلاب تونس و وقوع کودتا در این کشور معرفی کردند. بنابراین، بحران مشروعیت یکی از مولفه‌های نظام سیاسی فعلی حاکم بر این کشور است، به گونه‌ای که به استناد رده‌بندی سالیانه واحد اکونومیست از شاخص دموکراسی، که در ۱۶۷ کشور جهان براساس ۶۰ شاخص دسته‌ای در پنج شاخص اصلی شامل شیوه انتخابات، تکررگویی، آزادی‌های مدنی، مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی است (این فهرست، کشورها را براساس وضعیت مردم‌سالاری از بهترین تا وخیم‌ترین وضعیت به چهار نوع مردم‌سالاری کامل، مردم‌سالاری شکننده، شرایط بینابینی (حکومت‌های دوگانه) و حکومت‌های استبدادی تقسیم می‌کند) کشور تونس رتبه ۶۹ را به خود اختصاص داده است.

نتایج یادشده در جدول ۳، بیانگر ساختار حاکم بر وضعیت فعلی کشور تونس است که بحرانی‌بودن مشروعیتش را بیش از پیش



شکل ۴ نقشه سیاسی کشور تونس

امروزه منابع تونس تا حد زیادی بر کشاورزی، معادن، گردشگری و صادرات کالاهای صنعتی استوار است. تونس دارای اقتصادی متنوع و در حال رشد است. صنایع اصلی این کشور شامل صنایع نفت، فراوری مشتقات فسفات و سنگ آهن، منسوجات، کفش و فراوری محصولات کشاورزی، ساخت قطعات ماشین‌آلات صنعتی و تولید انواع نوشیدنی‌ها است. از آنجا که گردشگری در تونس پیشرفت چشمگیری داشته، بخش خدمات نیز از رونق فراوانی برخوردار شده است. عمده محصولات کشاورزی تونس شامل زیتون و روغن زیتون، غلات، گوجه فرنگی، مرکبات، چغندر قند، خرما، بادام، گوشت گاو و فراورده‌های لبنی است. تا سال ۲۰۱۰، نرخ تورم در این کشور به حدود ۴/۵٪ خلاصه می‌شد، ولی از آن پس کنترل موثری بر رشد نرخ تورم صورت نگرفت. طی سه سال گذشته از زمان پیروزی انقلاب تونس، رشد اقتصادی در این کشور با چالش‌های جدی مواجه بوده و سطح زندگی مردم به حد قابل توجهی تنزل یافته است^[29]. طبق آمار منتشرشده توسط گالف بیزنس حدود ۸۰٪ کل ذخایر نفتی اثبات‌شده جهان در اختیار کشورهای اوپکی و از این میزان ۶۶٪ مربوط به کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است^[30]. در حال حاضر میزان کل ذخایر نفتی اثبات‌شده اوپک ۷۱/۱۹۹/۱ میلیارد بشکه برآورد شده است. در جدول‌های ۱ و ۲ وضعیت کشور تونس از نظر تولید روزانه و میزان صادرات آورده شده است.

جدول ۱) میزان تولید نفت خام و گاز طبیعی تونس

انرژی	میزان تولید	رتبه جهانی	تاریخ
نفت	۳۹۰۰۰ (بشکه در روز)	۵۹	۲۰۱۸
گاز	۱/۲۷۴ (میلیون مترمکعب)	۶۴	۲۰۱۷

جدول ۲) میزان صادرات نفت خام تونس

تاریخ	میزان تولید (بشکه در روز)
۲۰۱۶	۱/۸۱۴/۰۰۰
۲۰۱۷	۱/۶۵۰/۰۰۰
۲۰۱۸	۳۹۹۸۰
۲۰۱۹	۴۸۷۵۷

جدول ۳) شاخص‌های دموکراسی در تونس

شاخص‌ها	رتبه (جهانی)
امتیاز	۶۹
انتخابات و تکثرگرایی	۶/۴۰
عملکرد دولت	۶/۰۰
مشارکت سیاسی	۷/۰۶
فرهنگ سیاسی	۷/۷۸
آزادی‌های مدنی	۶/۲۵
وضعیت	۵/۵۸
	مردم‌سالاری ناقص

بی‌عدالتی‌های فضایی

با توجه به مباحث نظری در ارتباط با نابرابری فضایی و عدالت فضایی، مصادیق اینگونه دوگانگی و شکاف را می‌توان در آمارهای کشور مورد مطالعه (تونس) چه در مقیاس ملی و چه ناحیه‌ای دید که زمینه را برای قلمروگستری سازمان‌های بنیادگرا فراهم می‌کند که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

اندازه دولت و رشد فساد و توسعه انسانی و شاخص‌های متناظر با آن

در سراسر سده بیستم، بیشتر کشورهای صنعتی و رو به توسعه، همه با نوعی از بی‌نظمی و عدم مدیریت صحیح از وضع موجود در ساختارهای نهادی و جمعیتی خود، با افزایش چشمگیر هزینه‌های عمومی روبه‌رو بوده‌اند. یکی از موثرترین مولفه‌ها در این زمینه، اندازه دولت است که با بزرگ‌تر شدن آن فساد نیز در جامعه بیشتر و زمینه ناکارآمدی در سیستم‌های سیاسی بیشتر می‌شود. فساد به معنی بهره‌گیری نادرست از قدرت عمومی برای به‌دست‌آوردن سود خصوصی تعریف شده است. از دید بسیاری از اقتصاددانان، زمینه چنین بهره‌برداری‌های نادرست در دولت‌های بزرگ بیشتر فراهم است و دولت‌ها، با اندازه بزرگ‌تر گرفتار فساد بیشتری هستند. از سوی دیگر، فساد که نماد آشکار رشوه‌خواری و رانت‌خواری است، از عوامل کاهش سهم هزینه‌های عمومی در بودجه دولت‌ها به شمار می‌رود^[34]. در جدول ۴ شاخص فساد اعلام‌شده از سوی سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۱۹ برای کشور تونس آمده است که در میان ۱۶۳ کشور جهان جایگاه شایسته‌ای ندارد.

جدول ۴) شاخص‌های بی‌عدالتی فضایی در تونس در سال ۲۰۱۹

شاخص‌ها	شاخص توسعه انسانی
رتبه توسعه انسانی	۰/۷۳۹
شاخص فساد	۹۱
رتبه شفافیت بین‌المللی	۱۰۵
نرخ بیکاری	۱۰۹
نابرابری آموزش	۱۵/۵
نابرابری درآمد	۳۲/۸
جمعیت زیر خط فقر	۱۸/۹
	۱۵/۲

در مجموع، درباره بی‌عدالتی فضایی در کشور تونس اینگونه می‌توان نتیجه گرفت که قلمروگستری سازمان‌های بنیادگرا در این دولت به مثابه پاسخ قطعی به نابرابری‌های فضایی-اجتماعی در کنش متقابل با بی‌عدالتی فضایی است.

ضعف عوامل همبسته‌ساز ملی

یکی از علل قلمروگستری سازمان بنیادگرای داعش در شمال آفریقا، فقدان تشکیل دولت-ملت مدرن است. به عبارتی پیدایش این کشور همانند سایر کشورهای این منطقه، بیش از آنکه برآیند خواست و اراده ملی ملت باشد، برآیند منافع و مصالح دولت‌های استعماری است. فقدان مشروعیت و عمق اجتماعی دولت و ضعف هویت ملی در مقابل تعلقات فروملی و فراملی باعث شکنندگی بالای ساخت دولت-ملت در چنین جوامعی می‌شود. دولت خاورمیانه‌ای اغلب در شرایط ضعف ساختارهای حکمرانی، در یک متن به‌شدت پراکنده، پرشکاف و مستعد ستیزه عمل می‌کند که همین خود عاملی برای تضعیف بیشتر آن است. به این دلیل تاسیس دولت-ملت به‌عنوان پروژه اساسی مدرنیزاسیون در اکثریت کشورهای منطقه یادشده، برنامه‌ای شکست‌خورده تلقی می‌شود که همواره با چالش نیروهای برآمده از شکاف‌های قبیله‌ای، قومی-زبانی و مذهبی روبه‌رو است^[35].

در قرن ۱۵ میلادی تعدادی از یهودیان به تونس مهاجرت کردند. در اوایل دهه ۱۵۷۰، تونس بخشی از امپراتوری عثمانی شد. اواسط قرن نوزدهم میلادی به‌تدریج نفوذ قدرت‌های استعمارگر اروپایی در تونس بیشتر شد. اروپاییان ابتدا از نظر مالی و تجاری و سپس از نظر سیاسی، نظامی، فرهنگی و دینی در این کشور نفوذ کردند. ارتش فرانسه در ۲۴ آوریل ۱۸۸۱ میلادی تونس را اشغال کرد. همزمان با موج استقلال‌خواهی در آفریقا پس از جنگ جهانی دوم، نیروهای ملی‌گرا و مذهبی، فعالیت‌های خود را برای استقلال این کشور آغاز کردند که در نهایت براساس مقاله‌نامه‌ای که در ۲۰ مارس ۱۹۵۶ میلادی در پاریس به امضا رسید، تونس به‌عنوان کشوری مستقل اعلام موجودیت کرد. در رده‌بندی سالانه بنیاد صلح از دولت‌های شکننده، در میان ۱۷۶ کشور مورد بررسی براساس شاخص‌هایی چون اقتصاد، سیاست، امنیت و رفاه اجتماعی کشور تونس رتبه ۹۵ را به خود اختصاص داده است^[36]. جدول ۵ بیانگر ساختار فعلی حاکم بر این کشور است.

جدول ۵) شاخص‌های دولت شکننده در تونس

شاخص‌ها	رتبه
امتیاز	۹۵
اقتصاد	۷۰/۱
سیاست	۵/۲۴
امنیت	۳/۰۶
رفاه اجتماعی	۵/۲۵
وضعیت	۸/۰۲
	هشدار

متحد را به سمت به‌راه‌انداختن جنگ در این منطقه هدایت می‌کند^[39].

۲- فروش اسلحه: فروش اسلحه یکی از پرسودترین تجارت‌ها با تولید ثروت ماندگار برای ایالات متحده است. رقابت‌ها، چالش‌ها و مشکلات امنیتی در منطقه، بزرگ‌ترین فرصت را برای کارتل‌های تسلیحاتی قدرت‌های بزرگ و رسیدن منابع سرشار ثروت را فراهم می‌آورد. پایگاه اینترنتی "گلوبال ریسرچ"، طی مقاله‌ای نوشت: هدف اصلی واشینگتن از فروش سلاح به کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، برون‌رفت از بحران اقتصادی و اشتغال‌زایی است و به همین منظور این کشورها را به بهانه‌های مختلف به خرید سلاح و تجهیزات نظامی تشویق می‌کند^[40]. اما به نظر می‌رسد علاوه بر موارد فوق، فروش اسلحه دلایل دیگری از جمله تلاش برای نجات اقتصاد راکد ایالات متحده، ایجاد بحران‌های بین‌المللی به‌منظور اثبات حضور در مناطق مختلف، تشویق به ناآرامی‌های مدنی و بین‌المللی در کشورهای مختلف به‌منظور ایجاد ساخت سیاسی مد نظر و منافع محور داشته باشد. زیرا پیگیری "منطق ایجاد ناآرامی" در سطح بین‌المللی، یک راه ایجاد ثبات هژمونیک تلقی می‌شود. همچنین ایجاد این ناآرامی‌ها، حضور ایالات متحده در مناطق مختلف جهان برای افزایش فروش سلاح به کشورهای منطقه را نیز توجیه می‌کند.

۳- ایجاد امنیت پایدار برای رژیم صهیونیستی که در چارچوب سیاست‌های کلان اسرائیل و دشمنی با ایران و محور مقاومت منطقه باید تفسیر شود. تشکیل حکومت دولت اسلامی عراق و شام، می‌تواند تشکیل یک دولت میلیتاریستی با محور ایدئولوژیک در کنار مرزهای ایران باشد^[41]. اما از آنجا که امنیت اسرائیل برای قدرت‌های غربی در اولویت قرار دارد و به همین دلیل تضعیف هر قدرت در منطقه برای آنها ضرورت پیدا می‌کند، در همین راستا یکی از نگرانی‌های اصلی ایالات متحده شکل‌گیری بلوک قدرت در منطقه یادشده است که متعارض با منافع و امنیت اسرائیل باشد. از این رو شاید یکی از دلایل اصلی حضور ایالات متحده در منطقه شمال آفریقا و به‌خصوص تونس ترس از شکل‌گیری اتحاد کشورهای منطقه علیه اسرائیل و به‌خطراتادن امنیت آن کشور باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، مساعی نویسندگان حول تبیین قلمروگستری داعش در تونس با استفاده از تئوری *استفان جونز* و با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی و منابع کتابخانه‌ای بوده است. از طرف دیگر، پژوهش حاضر، بر این فرضیه پای گرفته است که قلمروگستری سازمان بنیادگرای داعش در دولت شکننده تونس متأثر از درهم‌تنیدگی عوامل و زمینه‌های داخلی همچون موقعیت راهبردی و منابع انرژی، بحران مشروعیت، بی‌عدالتی‌های فضایی (مرکز-پیرامون)، ضعف عوامل همبسته‌ساز ملی و مداخله بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، زمینه‌های قلمرویابی و قلمروگستری

بدون تردید، نگاه تک‌بعدی به شکل‌گیری سازمان داعش و تاکید بر این عامل که داعش تنها یک پدیده ایدئولوژیک که برآیند عوامل داخلی نظیر محرومیت‌های اقتصادی، ناکارآمدی دولت و گسترش تمایلات فرقه‌گرایانه است، تحلیل دقیق و علمی نخواهد بود. درحقیقت، حمایت ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن باعث شده است تا این سازمان، ابعاد سیاسی-امنیتی به خود بگیرد و هر از چندگاهی نقش خود را در چرخه بحران ایفا کند. به عبارتی دیگر، اگر مباحث کشورهای منطقه شمال آفریقا به‌ویژه تونس تحلیل شود، بدون متغیر بازیگر مداخله‌گر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نتیجه‌ای نخواهد داشت. هر چند پارادایم‌های حاکم بر منطقه قبل و بعد از جنگ سرد دچار تغییرات بنیادی شده است، اما وجه مشترک هر دو دوره برجستگی نقش مداخله‌گران است. وجه تاریخی حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه از جمله ایالات متحده و کشورهای منطقه‌ای مانند عربستان و اسرائیل برجسته است^[37]. اما در حوزه نقش بازیگران منطقه‌ای اینگونه می‌شد اذعان کرد که در این منطقه داعش محصول رقابت‌های بلوغ‌نیافته استراتژیک بین قدرت‌های منطقه‌ای است. مانند هر نقطه دیگری در دنیا، کشورها به دنبال تامین منافع ملی در منطقه زیستی خود هستند ولی در منطقه شمال آفریقا، این وضعیت پیچیده شده است. رقابت‌های ایدئولوژیک و رقابت قدرت در منطقه، وجود پول سرشار و بی‌زحمت حاصل از نفت سطح مطالبات و درخواست‌های دولت‌های فعال منطقه را بالا برده و دست آنها را برای صرف هزینه‌های گزاف در جهت رسیدن به خواسته‌های بعضاً جاه‌طلبانه باز گذاشته است^[38]. اما به‌طور مشخص، در مورد قدرت‌های مداخله‌گر فرامنطقه‌ای (ایالات متحده و غرب) اینگونه استنباط می‌شود که منافع آنها اقتضا می‌کند کشورهای منطقه شمال آفریقا از صلح و ثبات و امنیت پایدار برخوردار نباشند که سه دلیل عمده دارد:

۱- دستیابی به منابع انرژی: از پایان جنگ جهانی دوم به بعد ایالات متحده در ابعاد مختلف سیاسی-اقتصادی-امنیتی، مهم‌ترین بازیگر در عرصه بازار نفت بوده است. از آن زمان تاکنون این کشور بزرگ‌ترین واردکننده، مصرف‌کننده و یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت بوده و به همین دلیل نقش نفتی در سیاست خارجی و امنیتی این کشور به‌شدت برجسته است. از طرف دیگر، خلأ امنیتی نیاز به حضور قدرت‌های جهانی نظیر ایالات متحده را در منطقه توجیه می‌کند. هر چه این عدم امنیت بیشتر باشد، نیاز بیشتر و درنتیجه وابستگی بیشتر را در پی خواهد داشت. به‌طور کلی، نقش نفت در تعیین سیاست‌ها و استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و به‌خصوص ایالات متحده در قبال با کشورهای خاورمیانه غیرقابل انکار است، بنابراین برای اقتصاد ایالات متحده به‌عنوان یک اقتصاد جهانی دسترسی آسان و ارزان به نفت به‌عنوان موتور محرکه رشد آن حتی با استفاده از زور و قدرت نظامی امری اجتناب‌ناپذیر است و این دلیلی است که ایالات

تونس، زمینه قلمروپایی و قلمروگستری داعش را فراهم کرده است، اما عدم همراهی نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی و ناکامی این گروه در فرآیند قلمروداری مانع از پیدایش موجودیت سیاسی- فضایی نوینی شد که ریشه در تروریسم بنیادگرا داشت.

تشکر و قدردانی: نویسندگان بر خود لازم می‌دانند که از دانشگاه تربیت مدرس به دلیل حمایت‌های صورت‌گرفته در انجام این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورند.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: مجید رسولی (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/روش‌شناس/پژوهشگر اصلی (۶۰٪)؛ احمد بخشی (نویسنده دوم)، نگارنده بحث (۴۰٪)

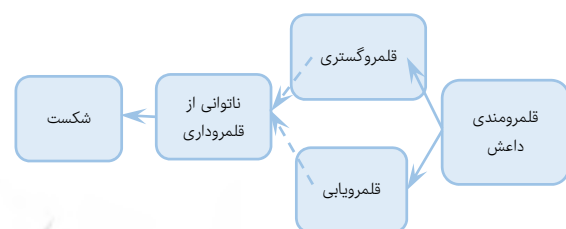
منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

- 1- Niakui SA. Recent changes in the Middle East and North Africa: Different origins and consequences. *Foreign Relat.* 2011;3(4):239-76. [Persian]
- 2- mehrnews.com. The reasons of Terrorism presence in North Africa [Internet]. Tehran: mehrnews.com; 2016 [cited 2018 4 10]. Available from: <https://bit.ly/3bw50H4>. [Persian]
- 3- Bakhshi A. McDonald's terrorism; Overview of ISIL presence in Libya [Internet]. Tehran: khabarfarsi; 2015 [cited 2018 5 22]. Available from: <https://khabarfarsi.com/u/1209955>. [Persian]
- 4- Moyer R. A new introduction to political geography. Mirheydar D, translator. 1st Edition. Tehran: Armed Forces Geographical Organization; 2001. [Persian]
- 5- Dikshit RD. Political geography (the spatiality of politics). 3rd Edition. New Delhi: Tata McGeaw-Hill; 2000.
- 6- Weisi H. Concepts and theories of political geography. Tehran: Samt Publication; 2015. [Persian]
- 7- Peter H. Geography: A new mix. Gudarzinejad Sh, translator. Tehran: Samt; 2001. [Persian]
- 8- Robert D. Annals of the association of American geographers. 73rd Volume. Abingdon: Taylor & Francis; 1983.
- 9- Jones SB. A unified field theory of political geography. *Ann Assoc Am Geogr.* 1954;44(2):111-23.
- 10- Moyer R. Political geography. Mir Haydar D, translator. Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces; 2001. [Persian]
- 11- Black Sell M. Political geography. London: Rutledge; 2010.
- 12- Bergesen AJ, Lizardo O. International terrorism and the world-system. *Soc Theory.* 2004;22(1):38-52.
- 13- Ahmadvand Sh. Theoretical approach to the concept of fundamentalism. *J Political Sci.* 2006;1(2):109-134. [Persian]
- 14- Garrison AH. Defining terrorism: Philosophy of the bomb, propaganda by deed and change through fear and violence. *Crim Justice Stud.* 2004;17(3):259-79.
- 15- Hoffman B. "Holy terror": The implications of terrorism motivated by a religious imperative. *Stud Confl Terror.* 1995;18(4):271-84.
- 16- Ranstorp M. Terrorism in the name of religion. *J Int Aff.* 1996;50(1):41-62.

سازمان‌های بنیادگرایی همچون داعش و دیگر گروه‌های متحد در کشور تونس را فراهم کرده است. در عین حال، سیری در نظریه‌های موجود در جغرافیای سیاسی نشان داد که نظریه میدان متحد تا حدودی توانایی تبیین وضعیت موجود در کشور تونس را دارد. از این رو، پژوهش حاضر ناگزیر از به‌روزرسانی نظریه میدان متحد جوتز است (مدل مفهومی ۳).

بر بنیاد الگوهای پیشنهادی (شکل ۷) غلبه نیروهای مداخله‌گر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قلمروی داعش مانع از پیدایش قلمروی مستقلی برگرفته از رویکردهای بنیادگرایی در کشور تونس شد، به گونه‌ای که منجر به ناتوانی این گروه در تامین زیرساخت‌ها و مطالبات ساکنان (مردم) از پیدایش قلمروی مستقل در منطقه شمال آفریقا شد.



شکل ۷) مدل مفهومی ۴: مدل نظری پیشنهادی نتیجه پژوهش

از طرف دیگر، موقعیت و شرایط جغرافیایی و سیاسی حاکم بر تونس به همراه بحران ناآرامی و کاهش تدریجی قوام عوامل همبسته‌ساز ملی که از سال‌های قبل در تونس و دیگر کشورهای شمال آفریقا حاکم بود، بسترساز رشد اندیشه‌های ارتجاعی در این منطقه شده است. از این رو، عوامل تاریخی و زمینه‌ای به این موضوع را می‌توان در تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر و تحولات موسوم به بهار عربی به همراه عوامل پیشینی مانند واکنش به موضوع اعراب و اسرائیل جست‌وجو کرد. اما پیش‌تر این موضوع را باید در تحولات ژئوپلیتیکی عراق و سوریه و سرایت آن به عمق ژئوپلیتیکی منطقه پیگیری و ردیابی کرد. اما به نظر می‌رسد رشد جنبش‌های بنیادگرای این منطقه ناشی از وضعیت دولت شکننده در تونس باشد که خود زمینه‌پایی و یا پذیرش اندیشه‌های رادیکال را فراهم کرد، اما این گروه تاکنون به دلایل یادشده توانسته است تنها به قلمروپایی بسنده کند، اما اگر دولت تونس و حتی دیگر دولت‌های منطقه شمال آفریقا اقدامات لازم را در راستای رضایت مردم و کارآمدی سیستم سیاسی خود صورت ندهند، در آینده حضور و شکل‌گیری دولت اسلامی (مانند آنچه که در عراق و شام در چند سال گذشته وجود داشت) در منطقه شمال آفریقا مشاهده می‌شود، مساله‌ای که آن را می‌توان به ایجاد شعبه‌هایی از مک‌دونالد در این منطقه تعبیر کرد و آثار فکری و سازمانی آن را می‌توان در القاعده مغرب اسلامی و بحران‌های ایجادشده توسط این گروه از آغاز هزاره سوم مشاهده کرد. بنابراین، نتیجه پژوهش نشان داد که شکنندگی دولت، ساختار جغرافیایی و پیوستگی‌های ژئوپلیتیکی، به همراه محظورات سیاسی و بین‌المللی حاکم بر

tunisia/crude-oil-production

31- Thomson A. Introduction to politics and government in Africa. Goliani A, Bakhshi A, translators. 1st Edition. Tehran: Cultural Institute of International Studies and Research of Abrar Contemporary; 2006. [Persian]

32- Kaviani Rad M, Azami H, Bakhshi A, Rasouli M. Explaining the territoriality of fundamentalist organizations in fragile states (case study: ISIS in Egypt). *Int Q Geopolit*. 2018;14(49):26-57. [Persian]

33- Masoudnia H, Saeedi Hizani N. Investigating the factors of the fall of Hosni Mubarak's regime and the perspective of developments in Egypt. *Political Knowl*. 2012;8(1):163-94. [Persian]

34- Mokhtari Ghaderi H. Space-geopolitical impunity and protest movements in the Middle East and North Africa. Conference of Islam and Geopolitical Developments in the Middle East and North Africa, 2011 March 22, Tehran, Iran. Tehran: The humanity science thinkers House; 2011. [Persian]

35- Ebrahimi N. The process of government-nation-building in Egypt, Tunisia and Libya after the revolution. Tehran: Center for Middle East Studies; 2015. [Persian]

36- fundforpeace.org [Internet]. Washington, D.C.: Fund for Peace; 2020 [cited 2020 2 28]. Available from: <https://bit.ly/3fGreqp>

37- alwaght.com [Internet]. Unknown Publisher city: Alwaght News & Analysis; 2018 [cited 2020 4 12]. Available from: <http://alwaght.com/en/News/70585/Constructive-Chaos-Theory-When-Terrorism-is-of-Much-Avail-to-US>

38- Mousavi SH. Why did ISIS emerge? [Internet]. Tehran: Iranian Students News Agency; 2015 [cited 2019 11 23]. Available from: Not Found. [Persian]

39- Bahrami M. US strategic goals and interests from long-term presence in Iraq [Internet]. Tehran: International Center for Peace Studies- IPSC; 2012 [cited 2019 5 12]. Available from: <https://bit.ly/3glBcss>. [Persian]

40- Petras J. Unrelenting global economic crisis: A doomsday view of 2012 [Internet]. Montreal: Global Research; 2012 [cited 2019 5 11]. Available from: <https://www.globalresearch.ca/unrelenting-global-economic-crisis-a-doomsday-view-of-2012/28349>

41- Motahhreniya M. The view of Israel and International actors on ISIL [Internet]. Tehran: Dana.ir; 2014 [cited 2020 2 11]. Available from: <https://bit.ly/2DBmx3W>. [Persian]

17- Potter D. State responsibility, sovereignty, and failed states. Australasian Political Studies Association Conference, 29 September-1 October 2004, University of Adelaide, Adelaide, Australia. Adelaide: University of Adelaide; 2004.

18- Olson W. The new words ordoernabty and development. In: Manwaring MG, editor. Gray area phenomena: Confronting new world disorder. Boulder: Westview Press; 1993. p. 120.

19- Paul C. The political economy of fragile states and implications for European development policy. Oxford: Department of Economics Oxford University; 2009.

20- databank.worldbank.org [Internet]. Washington, D.C.: World Bank; 2020 [cited 2020 3 6]. Available from: <https://databank.worldbank.org/home.aspx>

21- nationalgeographic.com [Internet]. Washington, D.C.: National Geographic; 2018 [cited 2019 9 23]. Available from: <https://www.nationalgeographic.com/>

22- ins.tn/en/themes/population#975 [Internet]. Tunis: ins.tn/en/themes/population#975; 2020 [2020 8 22]. Available from: <http://www.ins.tn/en/themes/population#975>

23- cia.com [Internet]. Washington D.C.: cia.com; 2019 [cited 2019 6 15]. Available from: www.cia.com

24- nationsencyclopedia.com [Internet]. Washington D.C.: Advameg, Inc.; 2020 [cited 2020 4 23]. Available from: <https://www.nationsencyclopedia.com/>

25- Rondal J. Osama: The making of a terrorist. London: I.B. Tauris; 2011.

26- Nejat SA. Isis autopsy (nature, organizational structure, strategies and outcomes). Tehran: International Contemporary Abrar Contemporary Cultural Studies and Research Institute; 2015. [Persian]

27- Bremmer I. The top 5 countries where ISIS gets its foreign recruits [Internet]. New York: Time Inc.; 2017 [cited 2019 11 25]. Available from: <https://time.com/4739488/isis-iraq-syria-tunisia-saudi-arabia-russia/>

28- tunisiageopolitics.weebly.com [Internet]. Tunisia: tunisiageopolitics.weebly.com; 2019 [cited 2020 3 17]. Available from: <https://tunisiageopolitics.weebly.com/>

29- heritage.org [Internet]. Washington, D.C.: The Heritage Foundation; 2020 [cited 2020 4 12]. Available from: <https://www.heritage.org/>

30- tradingeconomics.com/tunisia/crude-oil-production [Internet]. Tunisia: Trading Economics; 2020 [cited 2020 3 8]. Available from: <https://tradingeconomics.com/>